

انگلیسی در سفر (۱)



فصل سوم

Taking a Taxi

قسمت دوم

www.sayraelt.ir

Instagram:

@sayraelt.ir

@sayra.lyrics

Key words and expressions

Arrive: to reach a place.

رسیدن

Downstairs /daʊn'steɪz/ : on a lower floor of a building, especially the ground floor of a house.

طبقه پایین، طبقه همکف

Where are you heading to? : Where are you going? Where are you moving towards?
Where are you traveling?

به کجا می روی؟

Train station /'treɪn ,steɪ.ʃən/: a place with one or more buildings and platforms where trains stop for people to get on or off.

ایستگاه قطار

Trunk /trʌŋk/: a covered space at the back of a car, for storing things in.

صندوق عقب

In a hurry/ I am in a rush: be in a hurry to do something.

عجله داشتن

Hurry(verb) /'hʌ:ɪ/ : to move or do things more quickly than normal or to make someone do this.

عجله کن

Highway /'haɪ.weɪ/: a wide main road that joins one town to another.

بزرگراه

Toll /tɒl/: the money you have to pay to use a particular road, bridge etc.

عوارضی

Fee(noun) /fi:/ : an amount of money paid for a particular piece of work or for a particular right or service.

اجرت، دستمزد

Beach (noun) /bi:tʃ/ : an area of sand or small stones near the sea or another area of water such as a lake.

ساحل دریا/دریاچه

catch a train/plain/bus : to get on a train, plane etc. in order to travel on it, or to be in time to get on a train, plane etc. before it leaves.

سوار شدن به قطار، هواپیما و غیره برای سفر با آن، یا به موقع بودن برای سوار شدن به قطار، هواپیما و غیره قبل از حرکت

Fasten your seatbelt: to secure, to lock a seat belt.

کمربندت را ببند.

Roll down the car window:

if you roll a car window down, you turn a handle or push a button so that the window goes down.

شیشه ماشین را پایین کشیدن

Air conditioner /'er kən,dɪʃ.ən.ə/: a machine that makes the air in a room or building cooler and drier.

کولر.

How much do I owe you? : Asking how much money is to be paid for products or services.

من چقدر باید پرداخت کنم؟

Keep the change: An instruction to a taxi driver, waiter etc. to keep the change from the amount handed over as a tip.

بقیه اش مال خودت.

Have a good day: used to say one hopes the person spoken to will have an enjoyable day.

روز خوبی داشته باشید

Words and phrases

Location (noun) /lou'keɪ.jən/: *your current place.*

موقعیت، مکان

Example: His apartment is in a really good location.

آپارتمانش واقعاً در موقعیت خوبی قرار دارد.

Destination (noun) /,des.tə'neɪ.jən/ : *where you are going.*

مقصد

Example: Allow plenty of time to get to your destination.

زمان زیادی را برای رسیدن به مقصد اختصاص دهید.

Fare (noun) /fer/ : *the amount you must pay.*

کرایه

Example: She didn't have enough money for the bus fare.

او پول کافی برای کرایه اتوبوس نداشت.

Tip (noun) /tip/ : *the extra money you offer for safe, friendly, and prompt service*

انعام

Example: He gave the waiter a generous tip.

او یک انعام سخاوتمندانه به پیشخدمت داد.

Car seat (noun) /'kɑ:r ,si:t/ : *a seat for a child.*

صندلی کودک

Example: A small child should be strapped into a special car seat.

یک کودک باید به صندلی مخصوص کودک ماشین بسته شود

Luggage (noun) /'lʌɡɪdʒ/ : *your bags and suitcases.*

چمدان

Example: Please do not leave your luggage unattended.

لطفاً چمدان خود را بدون مراقبت رها نکنید.

Cab (noun) /kæb/ : *short form for a taxi cab.*

تاکسی

Example: Shall we walk or take a cab?

پیاده برویم یا تاکسی بگیریم؟

Flag or flag down (phrasal verb with flag verb) /flæg/: **to signal that a vehicle or person should stop by waving.**

برای نشان دادن این که وسیله نقلیه یا شخصی باید با تکان دادن دست توقف کند

Example: ok, shall *flag down* the waitress?

Pick up (phrasal verb) /'pɪk.ʌp/ : *the taxi picks you up at your current location.*

سوار کردن

Example: Could you please *pick up* Sam from school today?

آیا می توانید امروز سام را از مدرسه بردارید؟

Drop off (phrasal verb): *the taxi drops you off at your destination.*

پیاده کردن

Example: I'll *drop you off* on my way home.

من تو را در راه خانه پیاده میکنم.

Back seat (noun) /ˌbæk 'si:t/ : the seat in the back or rear of the car (behind the driver).

صندلی عقب ماشین.

Example: I was in the back seat and Jo was driving.

من در صندلی عقب بودم و جو در حال رانندگی بود.

Passenger seat (noun) : the seat beside the driver.

صندلی مسافر

Example: The man in the *passenger seat* seemed to be asleep.

به نظر می رسید مرد روی صندلی مسافر خوابیده است

Traffic Jam (noun) /'træf.ɪk ˌdʒæm/ : when traffic is not moving quickly or at all.

راهبندان / ترافیک سنگین

Example: Sorry we're late. We got stuck in a *traffic jam*.

ببخشید دیر رسیدیم، ما در یک ترافیک سنگین گیر کرده بودیم.

- با تاکسی به فرودگاه رفتیم.

I took / got a cab to the airport.

- معمولاً با تاکسی به فرودگاه می روم. هرگز با ماشین خودم نمی روم.

I usually go to the airport by taxi. I never go in my car.

- چقدر طول می کشد ما را از اینجا به فرودگاه ببرید؟

How long does it take to take us from here to the airport?

- با تاکسی فقط پنج دقیقه راه است.

It's only a five-minute taxi-ride away.

- از فرودگاه تا دانشگاه با تاکسی حدوداً بیست دقیقه طول می کشد.

A taxi journey from the airport to the university takes about twenty minutes.

- باید یک تاکسی تلفنی برایش بگیریم. آخر شب است.

We should call him a cab. It's late at night.

- می خواهی زنگ بزنم تاکسی بیاید؟

Would you like me to phone for taxi?

- من جلو می نشینم.

I will sit in the front.

- یک ربع است که دارم برای تاکسی دست تکان می دهم. اما هیچ کدام از آنها نمی ایستد.

I have been hailing cabs since fifteen minutes ago. None of them stops.

- برایت تاکسی بگیرم؟

Shall I call/ order/ hail a taxi for you?

- بیا با تاکسی به خانه برگردیم.

Let's take a taxi back home.

- آیا این نزدیکیها ایستگاه تاکسی هست؟

Is there a taxi rank/ cab stand nearby?

- او خسیس تر از آن است که بخواهد تاکسی بگیرد.

She's too cheap/ mean to take a cab.

- شرکت برای شما یک تاکسی در فرودگاه آماده خواهد کرد.

The company will arrange for a taxi to meet you at the airport.

- هر شش تامون به زور توی یک تاکسی سوار شدیم.

All six of us bundled into a taxi.

- ما همگی پریدیم توی یک تاکسی.

We all jumped in a taxi.

- تعارف کردم کرایه تاکسی را بدهم.

I offered to pay the fare of the taxi.

- او بر سر کرایه تاکسی با راننده مشاجره کرد.

He got into a dispute over the taxi fare.

- به دلایلی که حالا یادم نمی آید، مجبور شدیم تاکسی بگیریم.

For some reason which escapes me, we had to take a taxi.

- بعضی از راننده های تاکسی کرایه های خیلی بالایی می گیرند.

Some taxi drivers charge extortionate rates.

- ما بزرگترین ناوگان تاکسی رانی کشور را داریم.

We have the largest fleet of taxis in the state.

- عجله کن! تاکسی بیرون مقابل در ایستاده.

Hurry up! The taxi is out front.

- بار سفرم زیادست، بنابراین مجبورم تاکسی بگیرم.

I am loaded down with bags, so I have to take a taxi.

- بیا یک تاکسی بگیریم و فکر پولش نکنیم!

Let's take a taxi and blow the expense!

- آخه واسه چی داری بوق می زنی؟

Why on earth are you tooting/ honking your horn?

- کجا می روید آقا؟

Where to, sir?

- می خواهم به این آدرس بروم.

I want to go to this address.

- کرایه چقدر است؟

How much is the fare?

- میشه بگوئید کرایه تا هتل تقریباً چقدر میشه؟

Can you tell me roughly how much the fare will be to the hotel?

- من بیش از دو دلار نمی دهم.

I won't pay more than two dollars.

- سوار شو.

Hop in.

- ممکنه تاکسی متر را ببینم؟

May I see the taximeter?

- راننده تاکسی از هتل پورسانت می گیرد.

The taxi driver gets a rake- off from the hotel.

- تو خیابان تاکسی زیاد نیست.

There are few taxis in the street.

- آیا فکر می کنی دلیلش سهمیه بندی بنزین است؟

Do you think it's because gas has been rationed?

- من با سهمیه بندی موافقم چرا که این کار سبب صرفه جویی در مصرف انرژی می شود.

I am in favor of rationing, because we can save energy this way.

- دولت در صدد کنترل مصرف سوخت است.

The government is trying to rein in fuel consumption.

- به خودروهای شخصی روزانه ۳/۵ لیتر بنزین یارانه ای و به خودروهای دولتی ۱۰ لیتر داده می شود.

Private cars are allowed 3.5 liters of subsidized petrol per day, state-owned vehicles 10 liters.

- سهمیه وسائط حمل و نق عمومی بیشتر است.

Public transportation vehicles have a higher quota.

- باید مراقب باشی کارت هوشمند سوخت را گم نکنی چون صدور مجدد آن زمان می برد.

You should be careful not to lose your fuel smart card, because reissuing take time.

- سعی می کنم در مصرف سوخت صرفه جویی کنم.

I try to economize on fuel.

- اشکالی ندارد شما کرایه تاکسی را پرداخت کنید؟

Would you mind paying the taxi driver?

- مثل اینکه کرایه تاکسی ها را باید من بدهم.

Sounds like I have to pay for the taxies.

- دست از خسیس بازی بردار.

Stop being such a close- fisted man.



سائرا یک اپلیکیشن آموزش زبان انگلیسی در بستر اندروید است که شما می توانید زبان انگلیسی را با استفاده از آن در قالب تمرین های استاندارد تعاملی، چند مهارتی و هوشمند فرا بگیرید.

از مولفه های اصلی سائرا، استفاده از روش CLT، محتوای تولید شده ی بومی و استاندارد، ارائه دروس روزانه رایگان، لیگ کاربران،

آنالیز آموزش و یادگیری، استفاده از گیمیفیکیشن، مشاوره ی سیستمی و استفاده از زبان فارسی به عنوان راهنمای یادگیری می باشد.

شما می توانید اپلیکیشن سائرا را از وبسایت ما یا بازار و مایکت به سادگی دریافت نمایید و وارد دنیای جدید زبان آموزی شوید.

همچنین می توانید با دنبال کردن صفحات ما در اینستاگرام و آپارات

از ویدئو های آموزشی ما استفاده نمایید.

@Sayraelt.ir @sayralyrics

www.aparat.com/sayraelt_official



در صورت بروز هر گونه مشکل با شماره ی ۰۹۱۱۴۲۵۰۲۸۵ تماس حاصل فرمایید.